



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

تردید در استراتژی آمریکا درباره یمن

یک گروه دوجزبی از سناتورها، شک و تردیدهای زیادی را نسبت به رویکرد جو بایدن در خصوص حوثی‌های یمن در دریای سرخ ابراز کردند. این افراد درباره اختیارات قانونی و اثربخشی استراتژیک سیاست دولت آمریکا در جلسه استماع روز سه‌شنبه سخن به میان آوردند. سناتورها کریس مورفی و تاد یانگ در جلسه استماع، تیموتی لندرکینگ، فرستاده ویژه وزارت امور خارجه در امور یمن و دانیل شاپیرو، معاون دستیار وزیر دفاع در امور یمن به طرح سؤالاتی پرداختند. این دو مقام دولت آمریکا درباره حملات حوثی‌ها صحبت کردند و گفتند که این حملات باعث اختلالات عمده در اقتصاد جهانی شده، دیپلماسی بین عربستان سعودی و یمن را به خطر می‌اندازد و تشدید بیشتر تنش منطقه‌ای در خاورمیانه را به دنبال خواهد داشت. شاپیرو گفت: «این حملاتی که کل منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نمی‌توانند بدون پاسخ باقی بمانند.» به گفته شاپیرو، پاسخ آمریکا شامل حمله به بیش از ۲۳۰ هدف بوده که به گفته وی «احتمالاً صدها سلاح حوثی‌ها را منهدم کرده است.» مورفی و یانگ، همراه با سناتور مایک لی در اواخر ژانویه نامه‌ای به کاخ سفید فرستادند و دولت را در مورد استراتژی یمن تحت فشار قرار دادند. هر سه سناتور، شاهدان را بر اساس اختیارات قانونی و سابقه تاریخی تحت فشار قرار دادند. مقامات دولت اظهار داشتند که ماده دوم اختیارات رئیس‌جمهور چنین اقداماتی را توجیه می‌کند. سناتور کین امامی گوید: «ماده دوم دفاع از خود به این معنی است که شما می‌توانید از پرسنل ایالات متحده دفاع کنید، می‌توانید از دارایی‌های نظامی ایالات متحده دفاع کنید و می‌توانید از کشتی‌های تجاری ایالات متحده دفاع کنید. اما دفاع از کشتی‌های تجاری کشورهای دیگر موضوعی دیگر است و به هیچ وجه ذیل این ماده قرار نمی‌گیرد. از نظر من خنده‌دار است که این اقدام را دفاع از خود بنامیم.» سناتور یانگ پرسش خود را بر نظریه بازدارندگی دولت متمرکز کرد. همانطور که خود بایدن اعتراف کرده است، حملات علیه حوثی‌ها باعث توقف اقدامات این گروه در دریای سرخ نشده است. وقتی این موضوع توسط سناتور یانگ مطرح شد، شاپیرو به حملات هوایی اشاره کرد و گفت: «تا زمانی که حوثی‌ها متوقف نشوند، کار ما تمام نشده است.» شاپیرو عملاً از پاسخ دادن به سوال بعدی یانگ در مورد اینکه دولت چه سطحی از فعالیت نظامی را برای بازدارندگی حوثی‌ها لازم می‌داند و چه سطحی از فعالیت نظامی را برای رسیدن به آن نقطه پایانی می‌خواهد دنبال کند، خودداری کرد. سناتور مورفی کمی بعد خاطرنشان کرد، ۲۳ هزار حمله هوایی سعودی در یمن بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ که برخی از آنها همان مکان‌هایی را که حملات ایالات متحده اکنون هدف قرار می‌داد، هدف قرار داده بودند، نتوانست محاسبات حوثی‌ها را تغییر دهد، و شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد حملات هوایی محدودتری که امروز واشنگتن انجام می‌دهد، می‌تواند نتیجه متفاوتی داشته باشد. یکی از موارد بحث‌برانگیز و مایه اختلاف نظر در طول جلسه این بود که برخی فکر می‌کنند تنها چیزی که می‌تواند حملات حوثی‌ها را متوقف کند، فشار برای آتش‌بس در غزه است. البته نسبت به ادعای حوثی‌ها مبنی بر اینکه تجاوات آن‌ها نتیجه جنگ وحشیانه اسرائیل علیه غزه و حمایت مستمر واشنگتن از آن است، شک و تردید زیادی وجود داشت. مورفی این ادعا را «از نظر ظاهری مضحک» خواند. یانگ نیز گفت که تکرار این موضوع «لغظی طوطی‌وار» است. لندرکینگ استدلال کرد که غره زدن این دو موضوع یک‌دیگر «یک ارتباط کاملایی معنا» است و شاپیرو نیز گفت که این وضعیت «هیچ ربطی به اسرائیل ندارد». با این حال، همانطور که کین وستاتور کریس اول هولن خاطر نشان کردند، حملات حوثی‌ها طی یک آتش‌بس کوتاه‌مدت در غزه در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر ۲۰۲۳ به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. بنابراین می‌توان گفت که این به جنگ غزه مرتبط است. کین گفت: «امن فکر می‌کنم طبیعی‌ترین تفسیر از این موضع حوثی‌ها این است که آنها با دیدن عده‌ای که در غزه رنج می‌برند، می‌گویند دیگران نیز در منطقه متضرر خواهند شد تا زمانی که ما راه‌حلی برای غزه پیدا کنیم.» وی افزود: «به نظر من، ایالات متحده نمی‌تواند بازدارندگی را دوباره برقرار کند تا زمانی که راه‌حلی برای تبادل گروگان‌ها پیدا شود که منجر به آتش‌بس طولانی‌تر در غزه شود.» هنگامی که وان هولن این مسئله را مطرح کرد، شاپیرو تصدیق کرد که حملات حوثی‌ها در طول اولین آتش‌بس غزه کاهش یافت، اما استدلال کرد که این روند ممکن است تصادفی باشد.

دیپلمات‌های ایرانی



نقشه‌های: جعفر بهرنگار

مهمان هیتلر

کارنامه دیپلماتیک حسن محتشم السلطنه اسفندیاری و خاندانش



داوود دشتیانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

خاندان اسفندیاری یکی از خاندان‌های مهم نور بود. این خاندان در دوران قاجار و پهلوی نیز اقبال بلندی یافت؛ یک کفیل وزارت امور خارجه و دو وزیر امور خارجه از آن به قدرت رسیدند. مهمترین آنها حسن اسفندیاری، مشهور به محتشم السلطنه بود که شش بار مقام وزارت امور خارجه را کسب کرد



باثبات بود اما در سیاست خارجی بسیار پرتلاطم و پر آشوب بود. جنگ هرات و از دست رفتن کامل آن و عقد عهدنامه پاریس از مهمترین اتفاقات این دوره بود. معاهده پاریس علاوه بر خلع حاکمیت ایران بر هرات، دولت قاجاری را وادار کرد استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد و مهمتر از آن در موارد اختلافی با این کشور تازه‌تاسیس بریتانیا را به‌عنوان حکم بپذیرد؛ حکمی که پیشاپیش مشخص بود که به زیان ایران منتج خواهد شد. هر چند ایران به دلیل اشغال خرمشهر و بوشهر و جزایر خلیج فارس از سوی بریتانیا در موقعیت سختی قرار گرفته بود اما ضعف دستگاه سیاست خارجی ایران در اعزام فرخ‌خان غفاری بدون هیچ تجربه دیپلماتیک و آشنایی با زبان‌های خارجی در شرایط این معاهده بی‌تاثیر نبود. اساساً خود میرزاسعیدخان مؤتمن‌الملک و میرزامحمد صدیق‌الملک نیز چندان از شرایط جهانی اطلاع نداشتند و تنها منشی‌های درباری قابل اعتمادی بودند که به دستور شاه لقب خانی و دبیری مهم‌خارج یافته بودند. این دو در زمان میرزااحسین‌خان سپهسالار نیز وزارت امور خارجه را در اختیار داشتند و واگذاری امتیاز رویترو و وقایعی که منجر به اعتراضات در ایران و استعفای میرزااحسین‌خان سپهسالار شد نیز در همین زمان اتفاق افتاد و شاه با استعفای میرزااحسین‌خان سپهسالار او را به جای مؤتمن‌الملک به وزارت امور خارجه منصوب کرد و وقفه‌ای کوتاه در وزارت بلند مؤتمن‌الملک و کفالت صدیق‌الملک پدید آمد که با مرگ سپهسالار خیلی زود تمام شد. در جریان امتیاز رویترو و سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا نیز این دو کمترین دخالت را داشتند و در واقع از جریان اصلی حوادث کنار بودند؛ اما نسل بعدی این خاندان بیشتر دنیادیده بودند و تا حدودی با سیاست بین‌الملل آشنایی داشتند.

اشراف‌زاده دیپلمات

حسن اسفندیاری ملقب به حاج محتشم السلطنه و آخوند اعیان روز چهارشنبه سوم اردیبهشت ۱۲۴۶ در روز عید غدیر در تهران متولد شد. میرزا حسن خان محتشم السلطنه اسفندیاری، یکی از رجال موجه، دین‌دار، محافظه‌کار و دانشمند عصر مشروطیت ایران بود که به سه ویژگی شناخته می‌شد: نخست، دینداری و تسلط بر فقه و حدیث بود که او را چندین بار به مقام وزارت معارف رساند و دوم، تبحر در امور دیپلماتیک که از پدر به ارث برده بود و بارها او را در مقام وزیر خارجه نشاناد و دست آخر، سلامت نفس و وجه اجتماعی اش بود که در مجلس اول مشروطه او را واسطه دولت و مجلس قرار داد و در پایان عمر چهار دوره بر ریاست مجلس شورای ملی نشاند. جدش میرزا عبدالله نوری از سوی فتحعلیشاه حاکم مازندران و آذربایجان بود و پدرش میرزامحمدخان رئیس ملقب به صدیق‌الملک ابتدا منشی عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و سپس کفیل وزارت امور خارجه بود. اسفندیاری هر چه در داخل کشور مورد اقبال و پذیرش عموم جریان‌ها و افراد بود، در میان خارجی‌ها طرفداری نداشت و به همین واسطه بارها از سوی آنان طرد شد و روس و انگلیس در طرد و نفي محتشم السلطنه توافق داشتند؛ چه او با دخالت بیگانه در امور داخلی سران‌سازگاری داشت و در جریان قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را تحت‌الحمایه بریتانیا قرار می‌داد با آنکه خود عضو دولت و ثوق‌الدوله بود چنان به مخالفت با قرارداد پرداخت که همراه سه وزیر مخالف دیگر و معین‌التجار بوشهری به کاشان تبعید شد و تا پایان دولت وثوق در تبعید ماند. این اعیان‌زاده دیندار و محبوب و مورد احترام اقبال آن را یافت که از ابتدا تا لحظات پایانی عمرش همواره در صدر بنشیند و احترام ببیند.

اسفندیاری پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه دارالفنون شد و پس از مدتی تحصیل پزشکی به ادبیات و فلسفه روی آورد و از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد. مدتی نزد استادان میرزاطفعلی‌خان صدرافاضل و سیداحمد ادیب‌پیشاوری به تحصیل ادبیات عرب و فارسی و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات و دوره‌ای از فقه و اصول و حدیث پرداخت. در سال ۱۲۶۴ به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و در اداره دول غیرمجموعه و ملل متنوعه مشغول شد. یک سال بعد با سمت نایب سفارت به آلمان اعزام شد و مدت پنج سال در این منصب بود. در این ماموریت زبان آلمانی، فرانسوی و انگلیسی را به خوبی آموخت و در این دوره با اتوفون بیسمارک صدراعظم مقتدر و مشهور آلمان مذاکراتی انجام داد و وقتی به ایران آمد به ریاست اداره کشورهای غیرمجموعه منصوب شد. چندی بعد نیز نایب اول وزارت امور خارجه شد. در سال ۱۲۷۳ از طرف ناصرالدین‌شاه به اول‌لقب جناب و نشان درجه اول شیر و خورشید داده شد و یک سال بعد ملقب به محتشم السلطنه شد و به سمت ژنرال کنسول ایران در هندوستان تعیین و عازم بمبئی شد. ماموریت هندوستان سه سال طول کشید. پس از مراجعت به ایران به مقام معاون وزارت امور خارجه و «مترجمی حضور همایون» مظفرالدین‌شاه منصوب شد و در سفر سوم شاه به اروپا به‌عنوان نماینده وزارت خارجه از ملتزمین رکاب بود. او در این سفر همه جا در صف همراهان شاه بود ولی در مهمانی‌های رسمی مشروب الکلی نمی‌خورد. پس از صدور فرمان مشروطه برای تنظیم نظامنامه انتخابات دعوت شد و در این کار با صنیع‌الدوله، مخیرالسلطنه، مشیرالملک و مؤتمن‌الملک همکاری کرد. میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله، اولین نخست‌وزیر مشروطیت او را به معاونت خویش برگزید و در حقیقت رابط بین نخست‌وزیر و مجلس شورای ملی بود و به همین جهت وزیران کابینه او را به مجلس معرفی کرد. در

شورای ملی بود و در جریان اشغال ایران توسط متفقین در مقام ریاست مجلس در تصویب پیمان‌نامه سه‌جانبه ایران و بریتانیا و شوروی نقش کلیدی و مهمی داشت.

همه‌کاره وزارت هیچ‌کاره

اما کارنامه دیپلماتیک خاندان اسفندیاری با صدیق‌الملک، پدر محتشم السلطنه آغاز شد. میرزا محمد صدیق‌الملک که پدرش در دوره فتحعلیشاه به دفعات حاکم مازندران و آذربایجان بود، از سوی میرزاسعیدخان انصاری مؤتمن‌الملک مدت‌ها کفالت و معاونت وزارت امور خارجه را برعهده داشت و عملاً همه‌کاره وزارت امور خارجه بود. هر دوی آنها از خادمان دستگاه عباس‌میرزا نایب‌السلطنه بودند و در نزد او خدمت کرده بودند و صدیق‌الملک پیش از کفالت وزارت امور خارجه مشهور به میرزامحمدخان نوری یوشی منشی مخصوص عباس‌میرزا نایب‌السلطنه قاجار بود. پدر میرزامحمد، میرزا عبدالله‌خان نوری به دفعات در دوره فتحعلیشاه قاجار حکومت آذربایجان و مازندران را عهده‌دار بود و در عهد او نیز در تبریز فوت کرد. میرزامحمدخان نوری صدیق‌الملک نیز که در تبریز به دنیا آمده بود، در زمان مرگ پدر تنها شش سال داشت و تحت سرپرستی عباس‌میرزا تربیت و رشد نمود. وزارت مؤتمن‌الملک بار اول ۲۱ سال و بار دوم چهار سال طول کشید و صدیق‌الملک در تمام این دوران دست راست و معاون او بود. این دوره هر چند با سلطنت پنجاه‌ساله ناصرالدین‌شاه در سیاست داخلی دوره‌ای